

پاسخ ژئوکالچر به «تصور تهدید»؛ واکاوی نقش مؤسسه کنفوسیوس در سیاست خارجی چین

فریبرز ارغوانی پیر سلامی^{۱*}
سجاد کریمیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۴

۱۱۵



چکیده

انجام اصلاحات اقتصادی و پیرو آن ظهور مسالمت آمیز چین سرآغاز نگرانی قدرت‌های غربی و طرفداران ارزش‌های لیبرالی در ساختار نظم بین‌المللی بود. نتیجه این نگرانی تلاش برای برساختن تصور تهدید از چین در نظام بین‌المللی و متوقف کردن ظهور چین در سه دهه گذشته بوده است. این مقاله ضمن اذعان به نقش فزاینده چین در معادلات قدرت در عرصه بین‌المللی و با این مفروض که برساخته شدن تصور تهدید از چین توسط غرب تداوم دارد، بررسی و شناخت منابع شکل‌گیری این تصور تهدید و چگونگی تلاش چین برای استفاده از مؤسسات کنفوسیوس به‌عنوان مهم‌ترین رویکرد ژئوکالچر در مواجهه با این تصور را مهم‌ترین هدف خود می‌داند. این مقاله با طرح این پرسش که مهم‌ترین منابع تصور تهدید از چین چه محورهایی بوده و چگونه چین از نقش مؤسسات کنفوسیوسی به‌مثابه رویکردی ژئوکالچر در برابر این تصور بهره می‌گیرد؟ با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بر این ادعا است منابع تصور تهدید چین در سه بخش ژئوپلتیک-نظامی، اقتصادی و سیاسی - ایدئولوژیک قابل طبقه‌بندی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که مؤسسه کنفوسیوس از طریق معرفی تاریخ، فرهنگ و تمدن کمتر شناخته‌شده چین در درون جوامع دیگر به‌مثابه ابزار سیاست خارجی در تلطیف فضای تهدید برساخته شده و اصلاح برداشت‌ها از نیت و عملکرد چین کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: تصور تهدید، چین، ژئوکالچر، سیاست خارجی، مؤسسه کنفوسیوس

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

* نویسنده مسئول: farghavani@shirazu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

توسعه همه‌جانبه به‌عنوان یک هدف، امروزه تبدیل به اولویت عمده دولت - ملت‌ها در نظام بین‌الملل شده است. این مهم با هدف کسب رفاه، آرامش و آسایش برای ملت‌ها به منزله فلسفه وجودی دولت‌ها درآمده است. رسیدن به توسعه و ورود به جرگه کشورهای توسعه‌یافته مستلزم شرایط و ویژگی‌های محیطی و غیر محیطی متعددی است. این شرایط در همراهی و هماهنگی با یکدیگر زمینه‌های توسعه یک دولت - ملت را فراهم می‌آورد. یکی از بنیادی‌ترین این الزامات وجود یک فضای مساعد و شرایط مطلوب برای توسعه در سطح بین‌المللی است. کشور جمهوری خلق چین پس از پشت سر گذاشتن دوران حاکمیت مائو که مولد چالش‌های عمده‌ای در سیاست خارجی و به تبع فضای پرتنش در روابط خارجی بود، توانست با به‌کارگیری سیاست درهای باز و اتخاذ رویکرد عمل‌گرایانه فضایی مساعد برای پیشرفت و توسعه فراهم آورد. این روند با افزایش شتابان رشد اقتصادی چین - و به تبع آن افزایش قدرت نظامی، اقتصادی و فرهنگی - موجب ایجاد نگرانی برای رقبای این کشور شد. رقبای منطقه‌ای و جهانی چین به جهت کنترل این کشور با استفاده از منابع و ابزارهای مختلف به برساختن تهدید از چین به‌عنوان یک کشور تجدیدنظرطلب و مخل ارزش‌های جهانی مبادرت ورزیده‌اند. این چالش عمده، به موازات رشد سریع چین وسعت پیدا کرده و به یکی از مسائل مهم در عرصه روابط خارجی چین تبدیل شده است.

در مقابله با این اقدامات، جمهوری خلق چین سعی در تخفیف فضای متشنج برساخته شده دارد. این دولت با استفاده از ابزارهای متفاوت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در پی دستیابی به این هدف است. پکن با اعمال سیاست‌هایی همچون «همسایه خوب»^۱ یا مجموعه اقدامات این کشور بعد از بحران مالی ۲۰۰۸ در منطقه شرق آسیا به دنبال ارائه یک چهره مطلوب و مسئول از خود است. علاوه بر زمینه‌های سیاسی و اقتصادی بالا چین با استفاده از قدرت نرم و عرصه فرهنگی در پی ارائه یک چهره مطلوب از خود و مقابله با برساخته‌ها علیه این کشور است. یکی از مهم‌ترین این ابزارهای فرهنگی چین مؤسسه کنفوسیوس است. این مؤسسه با دارا بودن بیش از ۵۲۵ شعبه در سطح

1. good neighbor policy

جهانی فعالیت می‌کند. این مقاله به دنبال بررسی نقش این مؤسسات به‌عنوان یک ابزار ژئوکالچر است.

در میان آثار فارسی، پژوهش «فرایند کاربست قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری خلق چین» (سلیمانی، ۱۳۹۸) که به ابزارهای و منابع قدرت نرم چین اشاره می‌کند به مؤسس کنفوسیوس به‌عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم چین توجه دارد. در اثر دیگر جعفری و جانباز (۱۳۹۴) به بررسی ابعاد قدرت نرم چین پرداخته و در این میان به جایگاه مؤسسه کنفوسیوس نیز اشاره‌ای کوتاه شده است. در آثار انگلیسی، رحمان (Rahman, 2019) در مقاله خود حول بررسی ابزارهای مختلف قدرت نرم چین به مؤسسه کنفوسیوس به‌عنوان یک وسیله مهم برای دیپلماسی عمومی چین اشاره می‌کند. بکارد و فیلهو (Becard & Filho, 2019) در اثر خود با پرداختن به مقوله قدرت فرهنگی به دنبال بررسی ابعاد و وجوه مختلف دیپلماسی فرهنگی در بهبود تصور مثبت از چین هستند. مقاله رندی کلاور (Kluver, 2017) نیز به بررسی نقش مؤسسه کنفوسیوس به‌مثابه یک ترویج‌گر ارزش‌های چینی پرداخته و آن را در برابر ارزش‌های امریکایی می‌داند.

مقاله پیش رو ضمن اینکه به بررسی نقش مؤسسه کنفوسیوس به‌عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم چین می‌پردازد آن را در قالب رویکرد ژئوکالچر مورد بررسی قرار می‌دهد. به بیان دیگر تفاوت مهم این مقاله با آثار پیش‌گفته در این موضوع است که مقاله حاضر به بررسی نقش مؤسسه کنفوسیوس به‌عنوان یک ابزار ژئوکالچر در کاهش تصور تهدید از چین در سطح جهان پرداخته است، در حالی که در آثار پیشین این تأکید بر این نگاه به مؤسسه کنفوسیوس کمتر مشاهده می‌شود. به عبارت ساده‌تر، این مقاله با بررسی فعالیت‌ها و برنامه‌های مهم و اساسی مؤسسه کنفوسیوس به بررسی نقش این آموزه‌ها در کاهش تصور تهدید از چین می‌پردازد. این آموزه‌ها تلاش می‌کنند تا با ارائه تصویر اصلی و واقعی از چین - نه آنچه برساخته شده - به تصحیح تصور تهدید از چین کمک کنند. بر همین اساس شناخت اقدامات و فعالیت‌های مؤسسات کنفوسیوس برای معرفی ارزش‌های سنتی و کهن چین به جهت تصحیح تصور از این کشور از اهمیت اساسی برخوردار است.

پرسش کانونی این مقاله این است که چگونه چین از نقش مؤسسات کنفوسیوسی به مثابه رویکردی ژئوکالچر در برابر این تصور بهره می‌گیرد؟ برای پاسخ، مقاله با اتکا به روش توصیفی - تبیینی بررسی این فرضیه را در دستورکار قرار می‌دهد که مؤسسه کنفوسیوس از طریق معرفی تاریخ، فرهنگ و تمدن کمتر شناخته شده در چین در درون جوامع دیگر به مثابه ابزار سیاست خارجی در تلطیف فضای تهدید بر ساخته شده و اصلاح برداشت‌ها از نیات و عملکرد چین کمک می‌کند. در همین راستا و در قالب یک سؤال فرعی بررسی منابع تصور تهدید از چین نیز حائز اهمیت می‌شود. با هدف ارزیابی و بررسی این فرضیه این نوشتار در سه بخش سامان می‌یابد. در بخش ابتدایی به ارائه و تعریف ژئوکالچر به عنوان ابزار سیاست خارجی پرداخته می‌شود. بخش بعدی به ذکر دلایل و مستندات حول تصور تهدید از چین اختصاص دارد و در نهایت، قسمت سوم با پرداختن به ارتباط ژئوکالچر و سیاست خارجی، بررسی جایگاه فرهنگ و تمدن در سیاست خارجی چین از منشور مقابله با تصور تهدید با استفاده از مؤسسه کنفوسیوس را در مرکز توجه قرار می‌دهد.

۱. چهارچوب نظری: ژئوکالچر به مثابه ابزار سیاست خارجی

اصطلاح ژئوکالچر که مشتمل بر دو واژه ژئو و کالچر (جغرافیا و فرهنگ) است تبیین کننده یک نوع رابطه بین این دو است. این رابطه نخست از فرهنگ شروع می‌شود و به تأثیر بر جغرافیا و بلعکس ادامه دارد. در روابط بین الملل این رابطه در قالب دولت - ملت است. این مسأله باعث ظهور مسائل فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی در سیاست خارجی کشورها می‌شود. مهم ترین بخش در ژئوکالچر، بخش فرهنگ آن است. در تعریف فرهنگ آورده اند که «فرهنگ، معرف اشکال اجتماعی و خصوصیات مادی یک گروه نژادی، مذهبی یا اجتماعی (همچنین ویژگی های بارز موجود در روزمرگی های این گروه) است که توسط افراد در یک مکان یا زمان مشترک رعایت می شود» (Shokoohi, 2019: 153-154). مفهوم فرهنگ در ژئوکالچر تأثیرهای متفاوتی بر سیاست بین الملل و سیاست خارجی دارد. یکی از مهم ترین این اثرگذاری ها بر فرایند تمایزبخشی است؛ به این معنا که فرهنگ به عنوان یک نیروی مولد هویت بخش باعث

تمایز گروه‌ها (دولت - ملت‌ها) از یکدیگر می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۲: ۴۷). این هویت و تمایزبخشی از دو کارکرد جداسازی و معرفی برخوردار است که در کارکرد اول در پی ایجاد و بزرگ جلوه دادن تفاوت‌ها با دیگری با هدف متفاوت نشان دادن خود است؛ اما کارکرد دوم مربوط به معرفی خود بر اساس فرهنگ گروه است. آنچه در این مقاله از اهمیت برخوردار است مفهوم فرهنگ در کارکرد دوم است. تصور ژئوکالچر بدون فرهنگ غیرممکن است و بر این اساس برای بررسی هر پدیده ژئوکالچر احتیاج به شناخت فرهنگ جاری آن پدیده است. به طوری کلی ژئوکالچر به معنای بررسی و ارزش‌گذاری برای عوامل و عناصری همچون فرهنگ، زبان، قومیت، مذهب در کنار سایر عوامل در تبیین سیاست بین‌الملل و رابطه آن با جغرافیا است (کرانی، ۱۳۹۸: ۴۵).

شناخت اهمیت ژئوکالچر زمانی بیشتر مشخص می‌شود که به دلیل جایگاه قانونی مقوله فرهنگ و هویت در تحلیل آن، کشورها با پدیده تصور تهدید از خود مواجه می‌شوند؛ تصویری که از طریق بازنمایی رفتارهای داخلی و بین‌المللی یک کشور از سوی رقبای منطقه‌ای و جهانی آن صورت می‌گیرد که هدف نهایی آن ایجاد خدشه در فرهنگ و هویت و در نتیجه منافع و اصول اساسی سیاست خارجی آن است. در جهان امروز با افزایش هزینه‌های مادی و پرستیژی اقدام نظامی یا رقابت سخت و هم‌زمان توسعه گسترده رسانه‌ها و اهمیت قدرت نرم در سیاست بین‌الملل معاصر ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر برای مواجهه با رقبا یا آسیب وارد کردن به منافع آن‌ها یا تخریب وجهه یا مخرب جلوه دادن اصول مدنظر و رفتارهای بین‌المللی کشورهای هدف است. به همین جهت هم با تداوم بهره‌گیری روزافزون کشورها از ساخت تصور تهدید، به شکل متقابل جایگاه ژئوکالچر به‌مثابه ابزار تقابلی با این روند بسیار حائز اهمیت شده است.

مهم‌ترین بخش مطالعه و بررسی ژئوکالچر و اثرگذاری آن در سطح دولت است. به این معنا که پدیده‌های ژئوکالچر همچون مؤسسه کنفوسیوس (Winter, 2020: 3)، به‌عنوان یک ابزار ژئوکالچر در خدمت سیاست خارجی چین عمل می‌کند. این مؤسسه با بازآفرینی تصورات از عصر برتری چین (کیسینجر، ۱۳۹۸: ۱۱) تداعی‌کننده دوران شکوه تمدن چینی است. این مؤسسه از طریق معرفی فرهنگ، تمدن و ارزش‌های اساسی چینی



همچون هارمونی^۱، جامعه هماهنگ^۲ و صلح و آرامش درونی در جامعه هدف خود تبدیل به یک ابزار مهم ژئوکالچر برای سیاست خارجی چین شده است. این مهم نشانگر این موضوع است که ژئوکالچر در دنیای فعلی روابط بین الملل به عنوان یک ابزار در جهت منافع کشورها در دستان سیاست‌گذاران خارجی عمل می‌کند. ژئوکالچر به عنوان یک وسیله از طریق معرفی فرهنگ و آداب و رسوم دولت - ملت‌ها در خدمت برآوردن نیات و خواست‌های ملی عمل می‌کند. از طریق مطالعه همین فرایند است که می‌توان به شناخت از الگوهای فرهنگی قدرت‌های بزرگ رسید.

ژئوکالچر به مثابه یک ابزار برای سیاست خارجی را می‌توان به «توانایی یک ملت برای تأثیرگذاری در روندهای فرهنگی، ارزش‌ها، عادات و آداب و رسوم بیشتر» تعریف کرد. کارکرد این تعریف بیش از آنی که سیاسی باشد ناظر بر تغییر اعتقادات، عادات و ارزش‌هایی است که نگرش‌های ملت‌ها بر اساس آن ساخته می‌شود (Kluver, 2017: 391). به بیان ساده‌تر یک ملت به وسیله یک ابزار ژئوکالچر همانند مؤسسه کنفوسیوس از طریق معرفی و نشر توانایی که در فرهنگ خود دارد بر سایر کشورها اثر گذاشت تا تصورات و برداشت‌های آن‌ها را در رابطه با موضوعی خاص تغییر دهد یا آن‌ها را ترغیب به پذیرش اعتقاد، باور یا نگرش خاصی کند که برآورده‌کننده منافع ملی است. این ابزار به عنوان یک وسیله در خدمت سیاست خارجی استفاده می‌شود. از این مثال‌ها این نتیجه حاصل می‌شود که ژئوکالچر به عنوان یک وسیله در خدمت سیاست خارجی کشورها از طریق استفاده از قدرت فرهنگی به تغییر دیدگاه‌ها، باورها و بازتعریف ارزش‌های جدید می‌پردازد. بر این اساس، در این نوشته مؤسسه کنفوسیوس به عنوان یک ابزار ژئوکالچر در سطح جهانی برای سیاست خارجی چین شناخته می‌شود. جمهوری خلق چین با استفاده از این مؤسسه در سراسر جهان در پی دستیابی به چنین هدفی است. اصولاً زمانی از فرهنگ و ژئوکالچر به مثابه وسیله‌ای در خدمت بهبود تصویر کشوری استفاده می‌شود که تصویر منفی از آن کشور وجود داشته باشد یا در حال ساخته شدن باشد تا از این طریق بتوان ضمن زدودن تصاویر منفی به ارائه یک تصویر درست و مطلوب پرداخت.

1. Harmony
2. Harmony

۲. منابع تصور تهدید از چین در نظام بین‌الملل

هرچند زمینه‌های رشد اقتصادی چین از دهه ۱۹۷۰ فراهم شد اما از دهه ۱۹۹۰ به بعد بود که با افزایش روند رشد اقتصادی خیرکننده چین موضوع تصور تهدید از این کشور در دستورکار غرب و ایالات متحده قرار گرفت و امروزه شناخت ابعاد، نحوه انجام و کنش و واکنش‌های متقابل در این حوزه به یکی از موضوع‌های مهم در روابط بین‌الملل تبدیل شده است. منابع این تصور تهدید را می‌توان در سه محور ژئوپلیتیک - نظامی، اقتصادی - تجاری و سیاسی - ایدئولوژیک مورد بررسی قرارداد.

۲-۱. ریشه‌های ژئوپلیتیک - نظامی

یکی از منابع مقوم تصور تهدید از چین مربوط به منازعات ژئوپلیتیک این کشور در منطقه شرق آسیا و همچنین رشد فزاینده توانایی‌های نظامی این کشور است.

۲-۱-۱. منازعات ژئوپلیتیک: اولین عامل تصور تهدید از چین به منازعات مرزی این کشور در دریای چین جنوبی مربوط می‌شود. این دریا به دلایل موقعیت استراتژیک و ژئواکونومیک برای نظام بین‌الملل از اهمیت زیادی برخوردار است. از دلایل این اهمیت می‌توان به عبور کالا و منابع انرژی از این منطقه اشاره کرد. در سال ۲۰۱۷ حدود ۳/۲۷ تریلیون دلار از کل تجارت جهانی و همچنین ۴۰ درصد از تجارت گاز مایع جهان از طریق این دریا انجام شد (Cfr, 2020). این در حالی است که منازعات مرزی چین با کشورهای همسایه و همچنین حضور گسترده نظامی در این منطقه به‌عنوان یکی از منابع مهم تصور تهدید از چین در عرصه بین‌المللی شناخته می‌شود. مهم‌ترین این اختلاف حول حاکمیت بر جزایر اسپراتلی و پاراسل در این منطقه است. با وجود اینکه چین دارای اختلافات مرزی با ژاپن (حول مالکیت جزایر سن کاکو/ دیائو دائو) نیز است، ابعاد و عمق اختلافات این کشور با همسایگان خود در دریای جنوبی چین بیشتر و عمیق‌تر است. اهمیت این موضوع زمانی برای طرفین دوچندان شد که گزارش‌هایی مبنی بر وجود منابع عظیم انرژی در این منطقه منتشر شد. برخوردهای نظامی‌ای که در این منطقه بروز کرد از طرفی چین را متوجه نوسازی نظامی کرد و از طرف دیگر باعث

تشدید تصور تهدید از چین در بین کشورهای منطقه شد (سازمند و ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

منبع دیگر تغذیه تصور تهدید از چین «ابتکار یک کمربند یک جاده»^۱ چین است. کمیسیون اصلاحات و توسعه ملی (NDRC)^۲ وزارت خارجه و وزارت بازرگانی جمهوری خلق چین^۳ این مگا پروژه را این گونه تعریف می‌کند:

کمربند اقتصادی جاده ابریشم به ایجاد ارتباط میان چین، آسیای میانه، روسیه و اروپا (حوزه بالتیک) متمرکز است و چین را از طریق آسیای میانه آسیا غربی به خلیج فارس و دریای مدیترانه و نیز با آسیا جنوب شرقی، آسیا جنوبی و اقیانوسیه و هند مرتبط می‌سازد. جاده ابریشم دریایی قرن بیست یکم نیز با هدف متصل کردن سواحل چین به اروپا از طریق دریای چین جنوبی و اقیانوسی هند از یک مسیر و نیز متصل کردن سواحل چین جنوبی از طریق دریای چین جنوبی به جنوب اقیانوس آرام از مسیر دیگر طراحی شده است (مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۹۹: ۴۷)

این کمیسیون در ادامه گزارش خود در ارتباط با اهداف این طرح می‌آورد «طرح کمربند و جاده یک دورنمایی اقتصادی بلندپروازانه مبتنی بر گشودن شدن دروازه‌ها و نیز همکاری میان کشورهای واقع در مسیر کمربند و جاده است. کشورها باید به شکل هماهنگ عمل کنند و در مسیر تحقق منافع متقابل و تأمین امنیت مشترک گام بردارند» (مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۹۹: ۴۷). این نگاه به ابتکار یک جاده یک کمربند در حالی است که مرکز همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه نیویورک^۴ طی یک گزارش در این رابطه می‌نویسد:

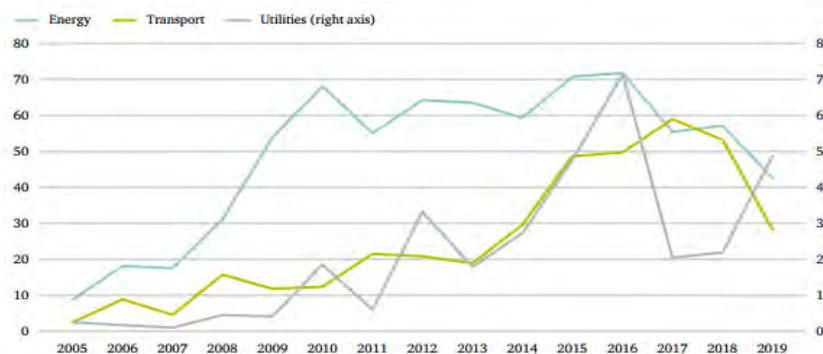
درحالی‌که بیجینگ بر این موضوع تأکید می‌کند که چهارچوب جاده ابریشم ساختار همکاری اقتصادی منطقه‌ای معادل و فراگیری را ایجاد خواهد کرد، این طرح بخشی از یک اقدام گسترده‌تر به منظور تضمین

1 . Belt & Road Initiative
2 . National Development and Reform Commission
3 . Ministry of Commerce
4 . Center on International Cooperation

حقی برای چین متناسب با ظرفیت اقتصادی و نظامی این کشور در تنظیم موضوعات اقتصادی و استراتژیک منطقه است (مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۹۹: ۱۶)

پیترکای از مؤسسه لوی برای سیاست بین‌الملل^۱ در رابطه با برداشت‌ها از طرح یک کمربند یک جاده معتقد است که این طرح قبل از آنکه یک طرح ژئواکونومیک باشد یک طرح ژئواستراتژیک است. او معتقد است در بخش اول این طرح که مربوط به پاکستان است چین از طریق اتصال بندر گوادر پاکستان به کاشغر در شین‌چیانگ در وهله اول از اهمیت تنگه مالاکا می‌کاهد و از سمتی دیگر بندر گوادر که توانایی پهلوگیری ناو هواپیمابر و زیردریایی را دارد یک مزیت استراتژیک برای نیروی دریایی چین محسوب می‌شود (کای، ۱۳۹۹: ۱۵۸). از طرفی دیگر برخی از سیاست‌گذاران آمریکایی ادعا می‌کنند که ابتکار یک کمربند یک جاده چین پروژه‌ای به جهت مقابله با طرح سیاست چرخش به آسیا^۲ و مشارکت ترانس پاسفیک^۳ آمریکا طرح‌ریزی شده است. بر این اساس این طرح مقابله با نظم منطقه‌ای و جهانی مدنظر مخالفین چین تصور می‌شود. این طرح به‌عنوان یک ابرپروژه به دید یک برنامه جامع برای تسلط چین بر آسیا مرکزی بر ساخته می‌شود (نک: عزیز، ۱۳۹۵). این ابتکار همچنین در ادامه گسترش نفوذ فزاینده در مسائل نظامی و امنیتی شامل نفوذ اقتصادی نیز تعبیر می‌شود؛ به این صورت که چین با اعطای وام‌های کلان به این کشورها در حالی که آن‌ها توانایی بازپرداخت آن را ندارند (نک: Jones & Homeiri, 2020) باعث می‌شود چین در قبال بازپرداخت وام‌ها بنادر تجاری و مهم این کشورها را با مدت‌زمان زیادی اجاره کند. همچنین در این رابطه در سال ۲۰۲۰ مؤسسه چتم هاوس^۴ انگلیس طی گزارشی بیان کرد که این اقدام چین ادامه سیاست اقتصادی «برو بیرون»^۵ بیجینگ برای برون‌سپاری مشکلات داخلی است. این موضوع را می‌توان در رشد عظیم سرمایه‌گذاری چین در سال‌های اخیر دید (نمودار شکل ۱)

1. Levy Institute for International Politics
2. Offshore Balancing Policy
3. Trans-Pacific Partnership (TPP)
4. Chatham House
5. Go Out policy



(Jones & Homeiri, 2020: 6)

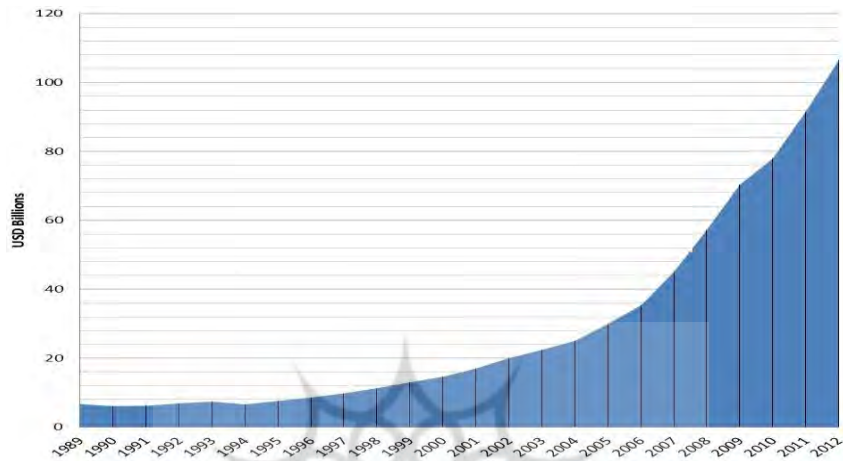
نمودار ۱. رشد سرمایه‌گذاری چین در خارج از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹

همان‌طور که در نمودار بالا مشخص است از سال ۲۰۰۵ به بعد سرمایه‌گذاری در خارج از چین در بخش‌های مختلف از جمله در بخش انرژی و حمل‌ونقل رشد بسیار زیادی کرده است (Jones & Homeiri, 2020: 6). هرچند به نظر می‌رسد این موضوع با تصمیم‌های آخرین نشست حزب کمونیست چین مبنی بر توجه به درون و تکیه بر توان داخلی در تضاد باشد. به‌طور کلی ابتکار یک جاده یک کمربند در ابعاد اقتصادی، ژئوپلیتیک و نظامی مقوم تصور تهدید از چین در سطح نظام بین‌الملل است. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد این ابرپروژه برای مخالفین چین نمایانگر گسترش سلطه جمهوری خلق چین بر بزرگ‌ترین خشکی کره زمین و اعمال نفوذ در هارتلند^۱ و ریملند^۲ این خشکی و مقدمه نفوذ جهانی این کشور است (ماتنو، ۱۳۹۹: ۳۸).

۲-۱-۲. **نوسازی نظامی چین:** به موازات رشد اقتصادی چین ارتش این کشور از حالت کمی به کیفی تغییر شکل و محتوا داد. در حالی که در دهه ۱۹۵۰ اعضای ارتش این کشور بالغ بر پنج میلیون نفر بود (سازمند و ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۰: ۱۷۴)، در سال ۲۰۲۰ این کشور مجموعاً دارای سه میلیون و سیصد هزار نفر نیروی نظامی بوده است. این موضوع در کنار رشد کیفی آموزشی نفرات این ارتش حاکی از تغییر از حالت

1. Hartland
2. rim land

کمی به کیفی است (Global firepower, 2020). به موازات این توسعه کیفی بودجه نظامی این کشور نیز رشد چشم‌گیری را تجربه کرده است (نمودار شماره ۲).

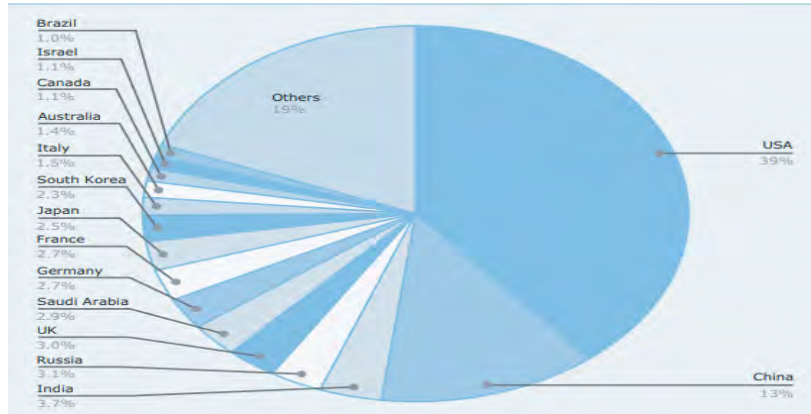


(Global firepower, 2020)

نمودار ۲. بودجه نظامی چین از ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۲

به طوری کلی بودجه نظامی این کشور از سال ۱۹۸۹ و رقمی نزدیک به ۴ میلیارد دلار به رقمی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ و پس از آن در سال ۲۰۱۹ به رقمی نزدیک به ۲۶۱ میلیارد دلار رسیده است که این رقم حدود ۱۴ درصد از کل بودجه نظامی جهان است و همچنین چین را در مقام دومین کشور دارای بیشترین بودجه نظامی در جهان قرار می‌دهد (نمودار شماره ۳).

پژوهش‌های انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



(Dasilva, Tian, and Marksteiner, 2021: 3)

نمودار ۳. بودجه نظامی چین در سال ۲۰۲۰

سرعت این رشد در نمودار زیر کاملاً مشخص است. همان‌طور که پیدا است در سال ۲۰۱۲ رشد این نمودار تساعد می‌یابد و در سال ۲۰۱۹ به رقم ۲۶۱ میلیارد دلار می‌رسد (نمودار شمار ۴).



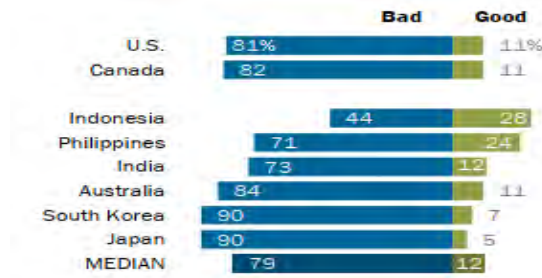
(Dasilva, Tian, and Marksteiner, 2021: 3; Global firepower, 2020)

نمودار ۴. رشد بودجه نظامی چین از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۹

این موضوع باعث عدم تقارن در بین کشورهای منطقه و چین شده است؛ به‌گونه‌ای که در سطح منطقه آسیا پاسفیک ۷۹ درصد از جمعیت این کشورهای نگران تأثیرات رشد ارتش چین هستند. در کشورهایی مثل ژاپن و کره جنوبی از هر ده نفر، نه نفر این



نگرانی را دارند (Silver, Deulin, and Huang, 2019: 35). نگرانی در مورد رشد ارتش چین در کشورهای توسعه‌یافته نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال در کشورهایی مثل آمریکا و کانادا از هر ده نفر هشت نفر این نگرانی را دارند (نمودار شماره ۵).



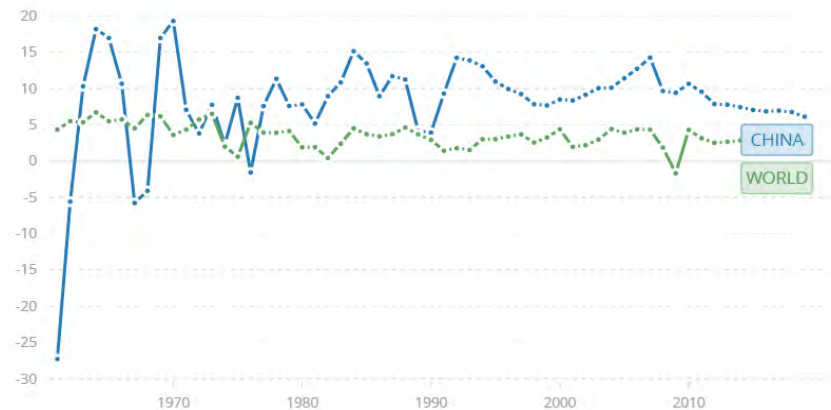
(Silver, Deulin, and Huang, 2019: 35)

نمودار ۵. میزان نگاه بدبینانه به رشد بودجه نظامی چین در آسیای جنوب شرقی

این موضوع باعث شده است تا نگرانی‌ها نزد مقامات آمریکایی از برخورد نظامی این کشور با چین افزایش پیدا کند (Clinton, 2020: 88-99). در نگاه کلی افزایش کمی و کیفی توانایی‌های ارتش چین به همراه رشد سریع بودجه نظامی این کشور این باور را برای مخالفین این کشور واقعیت می‌بخشد که چین توانایی مستقیم اعمال قدرت را در عرصه جهانی افزایش داده و این موضوع به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع تغذیه تصور تهدید از چین عمل می‌کند.

۲-۲. ریشه‌های اقتصادی

رشد اقتصادی چین چنان سریع بوده که توجه محافل گوناگون دانشگاهی و سیاست‌گذاری را به خود جلب کرده است. این رشد عظیم از سال ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۹ به طور معمول بیشتر از متوسط رشد اقتصادی دنیا بود است (نمودار شماره ۶).



(Worldbank, 2020)

نمودار ۶. مقایسه متوسط رشد اقتصادی چین و دنیا

این موضوع از ابعاد و وجوه متفاوتی برخوردار است. همان‌طور که در نمودار ۷ مشاهده می‌شود نرخ رشد تولید ناخالص داخلی چین (خط قرمز رنگ) در مقایسه با میانگین جهانی (خط آبی رنگ) نزدیک به سه برابر بوده است و از لحاظ عددی در حالی که تولید ناخالص داخلی^۱ چین در سال ۱۹۸۰ کمتر از ۳۰۰ میلیارد دلار بوده تا سال-های منتهی به ۲۰۱۸ این رقم به حدود یازده تریلیون دلار رسید (آلسون، ۱۳۹۹، ۵۶-۳۳). این حجم از رشد و با این سرعت توان بسیار زیادی در اختیار چین برای پیگیری اهداف خود قرار می‌دهد و همین موضوع عاملی اساسی و مهم برای نگرانی دولت‌های دیگر شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

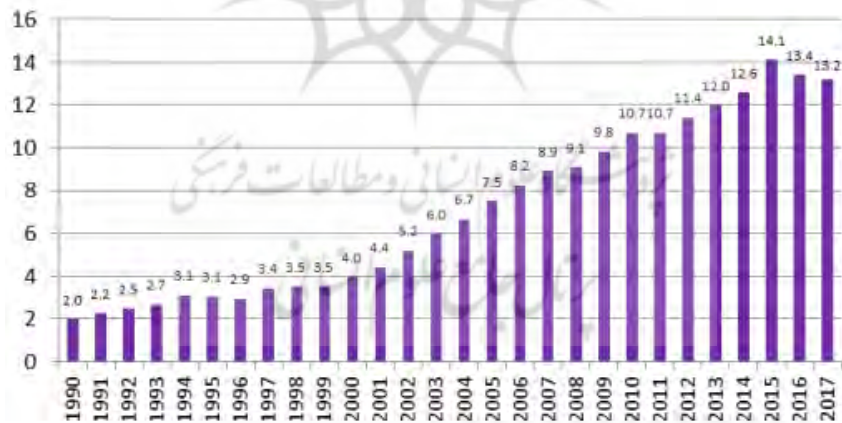
1. GDP



(ourworldindata, 2018)

نمودار ۷. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸

یکی دیگر از وجوه این رشد در نمودار شماره ۸ قابل مشاهده است. این نمودار سهم چین از صادرات جهانی را در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ نشان می‌دهد. در بین این سال‌ها سهم چین از دو درصد از صادرات جهانی در سال ۱۹۹۰ به بیش از ۱۳ درصد در سال ۲۰۱۷ رسیده است.



(Congressional Research Service, 2019:22)

نمودار ۸. سهم چین از صادرات جهانی در فاصله ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷

این موضوع از بعد دیگری نیز قابل بررسی است. همان‌طور که در نمودار شماره ۹ مشاهده می‌شود تراز تجاری چین در سال ۲۰۰۰ از نزدیک به صفر به بیش از ۶۷۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ رسیده است.



(Congressional Research Service, 2019: 21)

نمودار ۹. تراز تجاری چین در فاصله ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸

این رشد خیره‌کننده با وجود اثرات منفی ناشی از گسترش ویروس کرونا با سرعت کمتر همچنان رو به افزایش است. این امر باعث شده نگاه بدبینانه‌ای به رشد این کشور وجود داشته باشد. این بدبینی در عرصه سرمایه‌گذاری نمود بیشتری دارد (قسمت مربوط به ابتکار یک جاده یک کمربند توضیح داد شد). این موضوع به این دلیل باعث نگرانی شده که بعضی از مخالفین چین استدلال می‌کنند سرمایه‌گذاری‌های عظیم این کشور مقدمه توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی این کشور را فراهم می‌کند. معتقدان به تصور تهدید از چین رشد سرمایه‌گذاری‌های این کشور را به منزله گسترش نفوذ و به تبع افزایش قدرت چین در کشورهای مقصد سرمایه می‌دانند.

در همین رابطه بر اساس نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو^۱ در سه کشور استرالیا، ژاپن و کره جنوبی نسبت به رشد اقتصادی چین به‌طور میانگین ۶۷ درصد نگاه بدبینانه وجود دارد (Silver, Deulin, and Huang, 2019: 4). از طرف دیگر رشد اقتصادی چین و

1 . Pew Research Center

افزایش صادرات و سرازیر شدن کالاهای چینی در بازارهای جهانی باعث کاهش تولید در کشورهای مختلف می‌شود که مقوم بدبینی به رشد اقتصادی این کشور است. این موضوع زمانی دوجندان می‌شود که شرکت‌های چینی در ظاهر بدون حمایت دولت ولی در واقع با پشتیبانی دولت این کشور دست به تجارت می‌زنند که برخلاف تجارت آزاد است (سازمند و ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۱: ۱۷۷). در نگاه کلی، معتقدان به تصور تهدید از چین باور دارند که رشد اقتصادی این کشور در مرحله اول باعث افزایش توانایی چین در عرصه جهانی می‌شود و در مرحله بعد اثرات منفی اقتصادی برای کشورهای دیگر دارد.

۲-۳. ریشه‌های سیاسی - ارزشی

یکی از منابع اصلی و مهم تصور تهدید از چین مربوط به ارزش‌های سیاسی - ایدئولوژیک و تمدنی متفاوتی است که این کشور را از مجموعه غرب متمایز می‌کند.

۲-۳-۱. **تعارض تمدنی:** مشهورترین دیدگاه از تعارض فرهنگی در عرصه روابط بین‌الملل را ساموئل هانتینگتون ارائه داده است. وی معتقد است که نوع رابطه هر تمدن با تمدن غربی مسیحی است که نظم جهانی را می‌سازد. در این میان، او با تأکید بر دو تمدن کنفوسیوسی و اسلام معتقد است آن‌ها یک تهدید برای تمدن غربی هستند. هانتینگتون تمدن چینی را شامل یک هسته اصلی (چین) و مناطق پیرامونی آن (آسیا جنوب شرقی) می‌داند. این تمدن یک واقعیت فرهنگی و اقتصادی است که سرعت رشد بسیار بالایی دارد (Huntington, 1996: 168). هانتینگتون با بازنمایی تمدن چینی به‌عنوان یک تهدید مهم برای تمدن غربی معتقد است کنفوسیوس چینی با تأکید بر اقتدار، نظم، سلسله‌مراتب و برتری جمع‌بودگی بر فردبودگی مانع بسیار بزرگی برای دموکراتیک‌سازی، آزادی و فردگرایی در شرق آسیا است (Huntington, 1996: 238). به علاوه او معتقد بود که فرهنگ اصلی چینی یک فرهنگ نژادپرستانه است، زیرا از منظر آن‌ها به کسی چینی گفته می‌شود که یک نژاد، یک خون و فرهنگ دارد. (Huntington, 1996: 168 به نقل از آلیسون، ۱۳۹۹: ۲۳۴). از سوی دیگر رشد اقتصادی بسیار بزرگ چین که حاصل توجه به تمدن کنفوسیوسی است باعث توجه کشورهای جهان سوم به

تمدن کنفوسیوسی و به تبع پذیرش آن شده است. گسترش تمدن کنفوسیوس به عنوان یک تهدید تمدن غربی در سطح جهان شناخته می‌شود. این موضوع از عوامل مهم مقوم تصور تهدید از چین است.

۲-۳-۲. **رویکردهای متفاوت به سیاست: رشد اقتصادی چین و شکل‌گیری الگوی «اجماع پکن»**^۱ به عنوان یک الگوی موفق توسعه اقتصادی بدون توسعه سیاسی باعث شده است که کشورهای غربی و به ویژه ایالات متحده آمریکا این موضوع را تهدیدی بر علیه اجماع واشنگتن و رهیافت‌های آن بدانند و از آن به عنوان یک منبع تغذیه‌کننده برای تصور تهدید از چین استفاده کنند. این منبع بیش از آنکه یک مورد اقتصادی باشد یک تخطی بزرگ از ارزش‌های غربی چون دموکراسی است؛ به این معنا که بر اساس مدل-های توسعه‌ای دولت‌های غربی توسعه اقتصادی لزوماً به توسعه سیاسی و در نهایت دستیابی به ارزش‌های همچون دموکراسی منجر می‌شود. ولی مدل توسعه‌ای چین که از آن با نام «سوسیالیسم با خصائل چینی»^۲ نام برده می‌شود اصولاً دستیابی به توسعه اقتصادی بدون توسعه سیاسی را محقق ساخته است (سلیمانی، ۱۳۹۸: ۷).

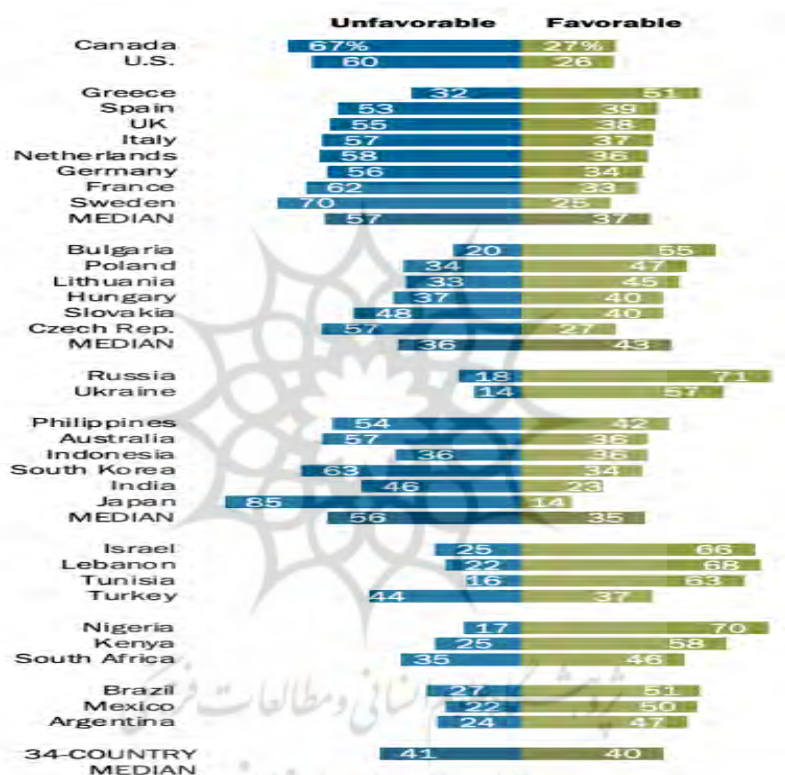
مخالفان دولت چین هنوز این کشور را سنگر محکم جنبش کمونیستی جهان قلمداد می‌کنند. آن‌ها مدل توسعه این کشور را مدل سرمایه‌داری اقتدارگرایانه توصیف می‌کنند که مقوم ارزش‌های ضد لیبرال دموکراسی همچون آزادی و حقوق بشر است. این موضوع در کنار ملی‌گرایی مورد حمایت حاکمیت چین از منابع اصلی تصور تهدید از چین هستند (Yang & Liu, 2012: 5-4).

تفاوت‌های تاریخ از جمله حاکمیت کمونیستی چین و وجود مفاهیمی مانند صدور انقلاب کمونیستی باعث تفاوت فاحش رویکرد چین نسبت به مابقی کشورهای همسایه و جهان غیر کمونیستی می‌شد (تا قبل از زمامداری دنگ شیائوپینگ). در کنار این، سیستم متمرکز این کشور که وقایعی همچون میدان تیان آن‌من را رقم زد، تصور تهدید از چین قدرتمند را تشدید می‌کند و وجود ارزش‌های عمیقاً متضاد چین و دولت‌های مخالف این امکان را برای این کشورها فراهم آورده است تا از این موضوع به عنوان یکی از منابع اصلی تصور تهدید از چین استفاده کنند (Yellinek, 2020).

1. Beijing Consensus

2. Socialism with Chinese characteristics

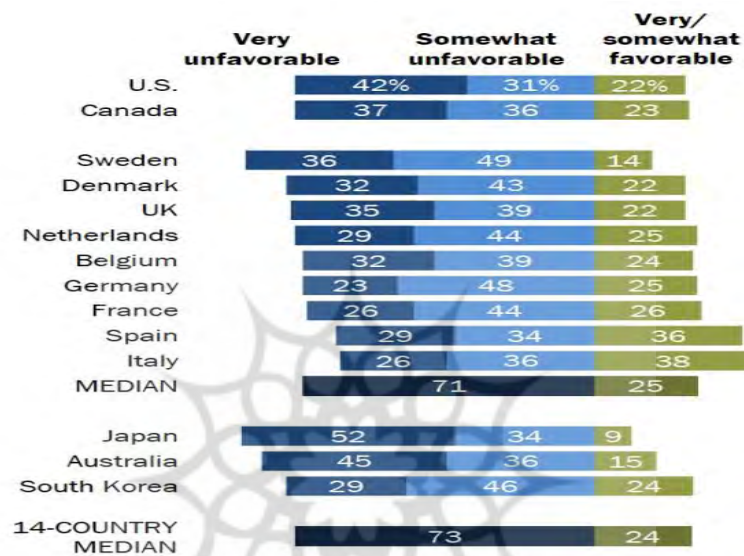
از مجموع آنچه در این بخش گفته شد در کنار افزایش تنش‌های موجود بین بیجینگ و واشنگتن به نظر می‌رسد که تصور تهدید از چین با تب‌وتاب بالا همچنان افزایش پیدا کند. در تأیید این موضوع می‌توان به نظرسنجی مؤسسه پیو اشاره کرد. در نظرسنجی سال ۲۰۱۹ که در نمودار شماره ۱۰ دیده می‌شود به‌طور میانگین ۴۱ درصد نگاه نامطلوبی به چین داشتند.



(Silver, Deulin, and Huang, 2019: 27)

نمودار ۱۰. نگاه بدبینانه به چین در سال ۲۰۱۹

این در حالی است که در نظرسنجی سال ۲۰۲۰ این نگاه نامطلوب به میانگین ۷۳ درصد رسیده است که در نمودار شماره ۱۱ قابل مشاهده است. بر این اساس آنچه به عنوان تصور تهدید از چین در عرصه نظام بین الملل مطرح می شود در این بستر شدت زیادی می گیرد (Silver, Deulin, and Huang, 2019: 27).



(Silver, Deulin, and Huang, 2019: 8)

نمودار ۱۱. نگاه بدبینانه به چین در سال ۲۰۲۰

ظهور یا رشد غیرحساسیت برانگیز چین باعث به وجود آمدن مباحث فراوانی در بین متخصصان چین و سیاست بین الملل شده است. در یک نگاه کلی و خلاصه موافقان ظهور چین در قرن بیست و یکم بیشتر با استدلال هایی که در ادامه خواهد آمد رشد مسالمت آمیز چین را توجیه می کنند که مبتنی بر یک نگاه تاریخی است (بیشتر این متخصصان چینی هستند). آن ها استدلال می کنند که در مرحله اول چین دارای انرژی زیادی است. انرژی برای تغییر اقتصادی، سیاسی (که ریشه در برخورد تمدن چین با

۱. لازم به یاد آوری است که در نمودار شماره ۱۰، ۳۴ کشور وجود دارد که شامل تعدادی کشورهای در حال توسعه نیز است که نگرش منفی کمتری به چین نسبت به کشورهای غربی دارند. در حالی که در نمودار شماره ۱۱ همه کشورهای حاضر از کشورهای غربی هستند که نگرش منفی بیشتری به چین دارند.

غرب در ۱۵۰ سال اخیر دارد) و انرژی برای اصلاح. هدف از این اصلاح‌های سه‌گانه گسترش تمدن چین است. این گسترش انتقامی علیه سلطه تمدن غرب و ایالات متحده نیست بلکه بازگشت به تمدن مسالمت‌آمیز چین همراه با اعتماد به نفس تاریخی است که منجر به اثرگذاری می‌شود. بعد مهم آن گسترش و احیای تمدنی، توانایی اثرگذاری بر روابط بین‌الملل^۱ به‌عنوان یک کانون تازه برای ایجاد همکاری و صلح است (کیسینجر و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۰-۱۵). این موضوع باعث می‌شود که اهمیت فرهنگ و تمدن باستانی و کهن چین برای محققین روابط بین‌الملل بیش از پیش احساس شود. همراه آن سؤال‌هایی از این قبیل اهمیت می‌یابد که اصولاً جایگاه فرهنگ و تمدن باستانی چین در سیاست خارجی امروز چین کجاست؟

۳. پاسخ ژئوکالچر چین در پرتو عملکرد مؤسسه کنفوسیوس

تبیین نحوه مقابله چین با تصور تهدید شکل گرفته از این کشور با بهره‌گیری از مؤسسات کنفوسیوسی در گرو شناخت جایگاه فرهنگ و تمدن در سیاست خارجی آن و سپس واکاوی عملکرد این دسته از مؤسسات است.

۳-۱. جایگاه فرهنگ و تمدن در سیاست خارجی چین

اصولاً اثرگذاری تمدن و فرهنگ بر سیاست خارجی از دو طریق خلق مفاهیم (این مفاهیم برخاسته از جهان‌بینی فرهنگی و تمدنی چین است) و ایجاد هویت صورت می‌گیرد. بدون شک استفاده از مؤسسه کنفوسیوس برای مقابله با تصور تهدید از چین مستلزم شناخت کافی کمی و کیفی از این مؤسسه و محتوای آن است. شناخت کمی در ادامه توضیح داده خواهد شد، اما این بخش به دنبال شناخت کیفی از تمدن و فرهنگ چینی به‌عنوان پشتوانه اصلی این مؤسسه است. پرسش‌هایی از قبیل اینکه جایگاه تمدن و فرهنگ چین در مباحث اجتماعی و سیاسی این کشور کجاست؟ یا به‌طور مشخص اینکه چه نسبتی بین سیاست خارجی و فرهنگ و تمدن این کشور برقرار است، حائز اهمیت است.

1. IR



۱-۱-۳. پیوستگی تمدنی و سیاست خارجی: قدمت و ماندگاری فرهنگ و تمدن چین باعث شده است که هیچ کشور دیگری نتواند داعیه‌دار تمدنی به پیوستگی تمدن چینی باشد. بر همین اساس، هیچ کشوری در سطح جهان همانند چین بر نقش جهانی بلندمدت و رفیع خود تأکید نداشته است. زبان، ادبیات، نهادهای مخصوص و فرهنگ از جمله بزرگ‌ترین دستاوردهای تمدن چینی برای ارائه به نوع بشر بوده است. این آورده‌ها به گونه‌ای بوده که حتی باعث شده تا رقبای منطقه‌ای چین و فاتحان این کشور نیز آن‌ها را پذیرفته و استفاده کنند. به کارگیری فرهنگ چینی توسط رقبا و دشمنان این کشور آن‌چنان گسترده بوده که مهاجمان به این کشور پس از سیطره کامل رفته‌رفته هضم در تمدن چینی شدند و به بخشی از آن مبدل شده‌اند (کیسینجر، ۱۳۹۸: ۹-۵). اصالت و عاملیت فرهنگ چینی در حیات این کشور باعث شده است تا به جای اینکه مرزهای این کشور بر اساس جغرافیایی سیاسی و طبیعی باشد چینیان مرزهای خود را بر اساس فرهنگ تعریف کنند؛ به این معنا که تا هرکجا که فرهنگ این کشور پذیرفته شده داخل مرزهای چین قرارداد حتی اگر آنجا حاکمیت چینی نباشد. این فرهنگ غنی در طول تاریخ، چین را به مرکز نظام سیاسی شرق آسیا تبدیل کرده است (کیسینجر، ۱۳۹۸: ۱۵). بر همین اساس وحدت و نظم در چین به‌عنوان یک ارزش در گرو فرهنگ این کشور است. تاریخ چین مشحون از دوره‌های صلح و آرامش در مقابل دوره‌هایی از تنش، خونریزی و فلاکت است. از منظر چینی و در یک نگاه کلی دوره‌های صلح و آرامش نتیجه وحدت و نظم (که خود برآمده از فرهنگ) است و دوره‌های جنگ و خونریزی نتیجه عدم وحدت داخلی بوده است. بر همین اساس است که می‌توان این نتیجه را گرفت که مهم‌ترین مؤلفه در حیات سیاسی و اجتماعی چین فرهنگ این کشور است. بدون شک سیاست خارجی نیز از این زمینه مستثنا نیست. بر این اساس می‌توان به این نکته اشاره کرد که اساساً موجودیتی به نام چین در گرو فرهنگ این کشور بوده است.

۳-۱-۲. خلق مفاهیم در سیاست خارجی: اثرگذاری این موجودیت فرهنگی (چین) از طریق خلق مفاهیم تمدنی و فرهنگی است. به‌عنوان مثال، یکی از سنت‌ها و

مفاهیمی که اثرگذاری بالایی در سیاست خارجی چین دارد «راهبرد مین»^۱ است. این ارزش که ناظر بر روابط متوازن میان انسان و انسان، جامعه و انسان و طبیعت است بر روابط متعادل انسان با هر چیزی تأکید می‌کند. طبیعی است که روابط متعادل میان ملت‌ها ناشی از همین ارزش است. برای اجرایی شدن این راهبرد نیاز به بی‌طرفی و موازنه هماهنگ بین یین - یانگ^۲ به‌عنوان دو اصل و نماد از منفی و مثبت است (چن، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

از دیگر مواردی که نشانگر جایگاه رفیع فرهنگ و تمدن چین در سیاست خارجی این کشور است، نگرش چینی‌ها به مفهوم نظم است. به‌طور کلی در سیر تکامل تمدن چین با اضافه شدن اندیشه جدید و به‌روزتر کنفوسیوسیم جهان‌بینی‌ای شکل گرفت که معنایی خاصی برای جهان هستی قائل بود. این نظام اجتماعی در داخل جامعه چینی بر پایداری، یک نظام هماهنگ و مبتنی بر نظم تأکید می‌کند. از دید تمدن چینی به‌مثابه یک جهان‌بینی، نظام هستی یک کل به‌هم پیوسته است که اعضای آن در ارتباط با یکدیگر قرار دارند. مفهوم «تیانشا»^۳ (همه چیز در زیر آسمان) معرف این جهان‌بینی به نظام هستی است. بر اساس این مفهوم که نمایی از نظم جهانی از بالا به پایین است (Cheng, 2019:6) امپراتوری چین به‌عنوان پسر آسمان^۴ بر همه چیز حاکمیت دارد. این طرز نگرش سلسله مراتبی نشانگر نظم مخصوص تمدن چین است (گوهارت، ۱۳۹۵: ۲۰-۲۵). اهمیت این نوع نگرش به نظم از این باب است که در وهله اول دیدگاه تاریخی چین نسبت به نظام روابط منطقه‌ای و جهانی در هر دوره تاریخی را مشخص می‌کند و پس از آن کمک شایانی به درک دیدگاه‌های چینی نسبت به روابط و سیاست خارجی این کشور با سایر کنشگران نظام بین‌الملل می‌کند.

خلق مفهوم «پادشاهی میانه»^۵ و خراج‌گذاری‌های آن از دیگر موارد است. این مفهوم که نشانگر جایگاه چین در هستی‌شناسی تمدنی این کشور است به خوبی دیدگاه چینی را مشخص می‌کند. همان‌طور که توضیح داده شد اصولاً چین به‌عنوان یک کشور بر

1. Mine strategy
2. yin and yang
3. Tianxia
4. Tianzi

۵. Middle Kingdom: به معنای پادشاهی‌های میان آسمان و زمین (تمام هستی بین زمین و آسمان)



اساس فرهنگ تعریف می‌شود. به گونه‌ای بر اساس ارزش‌های بالا که برای فرهنگ خود قائل بوده و آن را ذات مفهوم تمدن می‌دانستند، خود را پادشاهی میانه می‌نامید. بر همین مبنا دولت‌های اطراف برحسب میزان نزدیکی جغرافیایی به تمدن چینی به‌عنوان خراج‌گزار شناخت می‌شدند. به‌طور کلی اصولاً و اساساً سیاست خارجی چینی نتیجه فرهنگ و تمدن این کشور است به گونه‌ای که کشورگشایی چینی از طریق نفوذ فرهنگی است (نک: آلیسون، ۱۳۹۹: ۱۹۱-۲۲۹).

فرهنگ و تمدن چین تنها به خلق مفاهیم و نگرش‌ها در سیاست خارجی محدود نیست بلکه یکی از بزرگ‌ترین مواردی که نشانگر جایگاه فرهنگ و تمدن چین در سیاست خارجی آن کشور است خلق هویت‌هایی است که دارای اثرات فراگیر و بزرگی است. چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری شناخت می‌شود. این سابقه تاریخی بزرگ در دوران حاضر باعث خلق یک هویت منحصر به فرد برای سیاست‌گذاران چینی شده است که در پرتو آن به کنشگری در عرصه سیاست خارجی می‌پردازد. ناسیونالیست چینی یا بومی‌گرایان که تأکید زیادی بر سنت‌های کنفوسیوس و به‌کارگیری آن دارند نمونه‌ای از اثرگذاری تمدن و فرهنگ در عرصه هویت و سیاست خارجی چین است (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۴: ۹۰). بر این اساس جایگاه فرهنگ و تمدن در سیاست خارجی چین چنان رفیع و بالا است که تنها عامل سازنده سیاست خارجی در دوره‌های گذشته بوده است و در دوران حاضر چین تنها کشوری است که رهبران مدرن آن تصمیمات خود را با توجه به تاریخ این کشور می‌گیرند (آلیسون، ۱۳۹۹: ۱۹۴).

مجموعه عوامل بالا نشانگر جایگاه پراهمیت تمدن و فرهنگ چین در سیاست خارجی این کشور است که به نوعی باعث شکل‌گیری و هدایت آن به‌طور غیرمستقیم از طریق خلق جهان‌بینی‌های خاص و هویت معطوف به تمدن چینی می‌شود. همان‌طور که پیش از این نیز ذکر شد فرهنگ چین که برآمده از تمدن کهن این کشور است به‌عنوان مهم‌ترین منبع قدرت نرم چین متشکل از تاریخی طولانی بدون وقفه همراه با کثیری از سنت‌ها، مفاهیم و نگرش‌ها و ارزش‌های چون نظم، خیرخواهی، همسازی و

هماهنگی است. در یک نگاه کلان هسته مرکزی فرهنگ چینی مفهوم «هم‌سازی»^۱ است (لی، ۱۳۹۰: ۷۱-۷۲). این ارزش رهبران چینی را ترغیب کرده است تا جهان را دعوت به ساختن یک «جهان هماهنگ»^۲ کنند؛ ایده‌ای که در خارج به موازات داخل چین پیگیری می‌شود (دنگ، ۱۳۹۰: ۱۴۷) تا تصور تهدید از چین کم‌رنگ شود. پیگیری این ایده بدون ابزار و وسیله برای رسیدن به این هدف ممکن نیست. مؤسسه کنفوسیوس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای مقابله با تصور تهدید از چین اساسی‌ترین وسیله چین برای پیگیری این هدف است.

۲-۳. مؤسسه کنفوسیوس به‌مثابه ابزار سیاست خارجی

شناخت فعالیت این مؤسسه در حوزه سیاست خارجی در چند قالب میسر می‌شود:

۱-۲-۳. نظام تشکیلاتی: هانبان^۳ به‌عنوان نهاد اجرایی و مسئول بین‌المللی زبان چینی تحت نظر وزارت آموزش و پرورش چین فعالیت می‌کند. این نهاد اجرایی مرکز هدایت و کنترل مؤسسه‌های کنفوسیوس است که در سال ۱۹۷۸ تأسیس شد. از لحاظ اعضای تشکیل‌دهنده شامل نمایندگان از ۱۲ کارگزار دولتی چین است که مهم‌ترین آن‌ها وزارت امور خارجه، وزارت آموزش و پرورش و وزارت دارایی است و در کنار آن از بخش‌های مختلفی برای ایفای نقش تشکیل شده است (شکل ۱). این شورا غیرانتفاعی است و به‌عنوان مرکز سیاست‌گذاری مؤسسه کنفوسیوس در سراسر جهان فعالیت می‌کند (Peterson, 2017: 21-22). در هنگام نگارش این سطور بیجینگ به منظور کاهش حساسیت‌ها نسبت به فعالیت‌های مؤسسه کنفوسیوس و هانبان نام این مرکز را از هانبان به «مرکز همکاری و آموزش زبان وزارت آموزش و پرورش»^۴ تغییر داده است. این مؤسسه به منظور گسترش فرهنگ چینی به‌عنوان مرکزی برای هماهنگی بین مؤسسه‌های کنفوسیوس عمل می‌کند. در یک نگاه کلی اهدافی هانبان تهیه منابع و خدمات آموزشی زبان و فرهنگ چینی در سراسر جهان و کمک به توسعه فرهنگ چینی در جهان است (Gao, 2019: 2).

1. Harmony
2. "Harmonious world"
3. Confucius Institute Headquarters (Hanban)
4. Ministry of Education Language Cooperation and Training Center



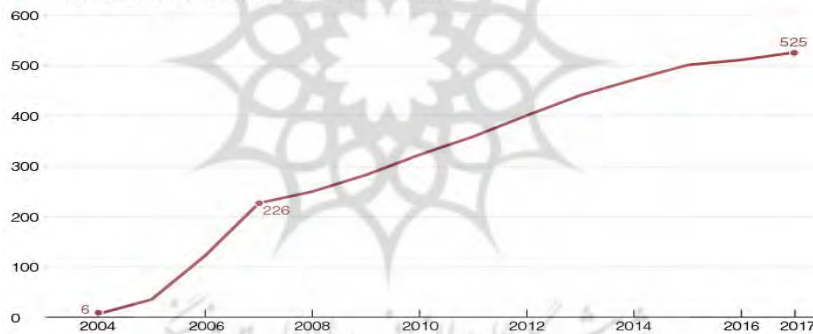
(Shanxi, 2017)

شکل ۱. ساختار سازمانی هانبان

مؤسسه‌های کنفوسیوس از طریق این مرکز مستقر در بیجینگ که وظیفه تنظیم مقررات و تأمین بخشی از بودجه سالانه به همراه آموزش کادر مدیریتی و آموزشی را بر عهده دارد، هماهنگ می‌شوند (Gil, 2009: 2). مؤسسه‌های کنفوسیوس تحت یک برنامه پنج‌ساله با هدف آموزش و گسترش زبان چینی و فرهنگ آن در خارج از کشور با هدف‌گذاری اولیه ایجاد ۱۱۰۰ مؤسسه در سراسر جهان راه‌اندازی شد. طبقه این برنامه آهنگ گسترش این مؤسسه هر چهار روز یک مؤسسه بود که تا سال ۲۰۱۴ ادامه داشت اما از این سال با مقداری کاهش به ازای هر شش روز یک‌بار یک مؤسسه در جهان افتتاح شد (Hubbert, 2019: 13). اولین مؤسسه کنفوسیوس به طور آزمایشی در کره جنوبی در سال ۲۰۰۴ آغاز به کار کرد و مدتی پس از آن مؤسسه ازبکستان راه‌اندازی شد؛ به گونه‌ای که تا سال ۲۰۱۸، ۵۲۵ مؤسسه و ۱۱۱۱ کلاس در ۱۴۶ کشور جهان مشغول به فعالیت بوده‌اند (نمودار شماره ۱۲) (Confucius uncc, 2018: 35)

Growth of Confucius Institutes

— Total number of Confucius Institutes around the world



(caixinglobal, 2018)

نمودار ۱۲. رشد مؤسسات کنفوسیوس از بدو تأسیس تا ۲۰۱۷

از طرفی دیگر تمرکز گسترش این مؤسسات در قاره آمریکا و اروپا بوده است به گونه‌ای که ۱۶۱ مؤسسه در آمریکا و ۱۷۳ مؤسسه در اروپا تا سال ۲۰۱۷ تأسیس شده است (نمودار شماره ۱۳)



(Confucius Institutes, 2018)

نمودار ۱۳. تعداد مؤسسه‌های کنفوسیوس در قاره‌های مختلف

با وجود این، هان‌یان امیدوار بود بتواند تا انتهای سال ۲۰۲۰، ۱۰۰۰ مؤسسه کنفوسیوس ایجاد کند (Bush, 2018: 6) این در حالی است که طبقه بررسی‌های انجام شده تا سه ماهه نخست سال ۲۰۲۱، ۵۳۴ مؤسسه در جهان فعال بوده که از لحاظ تعداد فراوانی و کمی این مؤسسات آمریکا شمالی با داشتن ۹۸ مؤسسه در صدر قرار دارد و پس از آن اروپا با ۸۹ و آسیا با ۵۲ در مراتب بعد قرار دارند. نکته قابل توجه در این رابطه با این موضوع این است که بیشترین مؤسسه در کشورهایی قرار دارند که در آنها تصور تهدید از چین اصولاً بیش از سایر کشورهاست. جدول ۱ نشانگر کشورهایی است که در آنها بیشترین مؤسسه کنفوسیوس فعالیت دارد.

جدول ۱. کشورهای دارای بیشترین مؤسسه کنفوسیوس در جهان

قاره	نام کشور	تعداد
۱ آمریکا شمالی	آمریکا	۸۶
	کانادا	۱۲
	بریتانیا	۳۰
۲ اروپا	آلمان	۱۹
	روسیه	۱۹
	فرانسه	۱۸
	ایتالیا	۱۲
	کره	۲۳
۳ آسیا	ژاپن	۱۵
	استرالیا	۱۴

(Digmandarin, 2021)



۲-۲-۳. **کیفیت فعالیت:** از لحاظ محتوایی نیز نکته مهم در خصوص هانبان این است که پروژه این سازمان در کشورهای انگلیسی‌زبان بیشتر از سایر کشورهاست. در همین رابطه ۳۸ درصد از مؤسسات و کلاس‌های درس کنفوسیوس مورد حمایت هانبان، در ایالات متحده قرار دارد. پس از این کشور، بریتانیا با ۱۱ درصد در مرتبه بعدی است. استرالیا با ۵ درصد سومین کشور در فهرست کشورهای پذیرای مؤسسه کنفوسیوس است. ایتالیا، کره جنوبی، تایلند، آلمان، روسیه و ژاپن در مراتب بعدی قرار دارند و این‌طور به نظر می‌رسد که به موازات افزایش سرمایه‌گذاری در آفریقا تعداد این مؤسسات در این قاره نیز افزایش پیدا کند (Peterson, 2017: 24). این موضوع در کنار تصور تهدید از چین در اکثر کشورهای حاضر در فهرست بالا نشانگر جایگاه هانبان به‌عنوان یک وسیله برای سیاست خارجی چین است.

جدول ۲. بزرگ‌ترین کشورهای میزبان مؤسسه کنفوسیوس^۱

نام کشور	درصد حضور مؤسسه کنفوسیوس
۱ ایالات متحده آمریکا	۳۸ درصد
۲ بریتانیا	۱۱ درصد
۳ استرالیا	۵ درصد

(Peterson, 2017: 24)

اصولاً مؤسسه‌های کنفوسیوس از دو مسیر ایجاد می‌شوند: در اولین مسیر هانبان به‌عنوان مرکز کنترل مؤسسه، دانشگاهی را انتخاب کرده و با پیشنهاد به آن این فرایند شروع می‌شود. باید این نکته را در نظر داشت که به موازات رشد اقتصادی چین تمایل این کشور به حضور فرهنگی در جهان نیز افزایش یافت؛ به گونه‌ای که ۲۰۰ مؤسسه آموزشی در فهرست انتظار برای امضای قرارداد هستند. مسیر بعدی ایجاد مؤسسه کنفوسیوس با دعوت داوطلبان دانشگاهی به چین آغاز می‌شود. این داوطلبان پس از

۱. جدول یک و دو به ترتیب عددی و درصدی هستند و از سمتی دیگر اطلاعات آنها در تاریخ متفاوتی جمع‌آوری شده است به همین دلیل شاید مقداری متفاوت به نظر برسند.



گذراندن یک تور ده روز از چین و بازدید از بیجینگ که در آن با آثار تاریخی، ملی و شگفتی‌های فرهنگی چین آشنا می‌شوند قراردادی مبنی بر تأسیس مؤسسه کنفوسیوس امضا می‌کنند. به طور کلی وظیفه این نهادها و دانشگاه‌های داوطلب تأسیس مؤسسه کنفوسیوس تأمین امکانات، کلاس، فضای اداری و پشتیبانی از مؤسسه کنفوسیوس مستقر است و پس از آن، هانبان سالانه بین صد تا صد پنجاه هزار دلار به این مؤسسات کمک مالی می‌کند (Hubbert, 2019: 14).

تأسیس و گسترش مؤسسه کنفوسیوس بر اساس اصولی که هانبان تدوین می‌کند انجام می‌شود. در این اصول برای مؤسسه کنفوسیوس این اهداف در نظر گرفته شده‌اند که این مؤسسه خود را وقف برآوردن خواسته‌های مردم از کشورها و مناطق مختلف در جهان می‌کنند تا زبان چینی را فرا بگیرند. افزایش درک از زبان چینی و فرهنگ این کشور توسط مردمان دیگر و تقویت متقابل همکاری آموزشی بین چین و سایر کشورها و تعمیق روابط دوستانه با سایر کشورها، از اولویت‌های اصلی این مؤسسات است. این مؤسسه با احترام به قوانین و مقررات و رسوم ملی هیچ‌گونه تخلفی در مورد قوانین و مقررات چین ندارد و هیچ فعالیتی که با مأموریت‌های مؤسسه در تضاد باشد انجام نمی‌دهد (Confucius uncc, 2018: 38).

۳-۳. مقابله با تصور تهدید

همان‌طور که در اصول اول مؤسسه ذکر شده است خدمت به مردمان کشورهای مختلف از اولویت‌های این نهاد به شمار می‌رود. این مؤسسه فعالیت‌های متنوعی که مبتنی بر محل ارائه خدمت است ارائه می‌کند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت سبک عملکرد و دامنه فعالیت‌های مؤسسه به طور قابل ملاحظه‌ای در نقاط جهان با یکدیگر فرق دارند (Too & Wang, 2018: 1). با وجود این از لحاظ معرفی فرهنگ چین به ملت‌های دیگر عملکرد مشابهی دارند.

۳-۳-۱. کنش از منظر کارکردی: از حیث کارکردی فعالیت‌های مؤسسه کنفوسیوس را می‌توان به دو سطح تقسیم کرد: برنامه مؤسسات کنفوسیوس و فعالیت‌های شبکه‌ای. برنامه مؤسسه کنفوسیوس شامل آموزش زبان و فرهنگ سنتی در

دانشگاه‌ها و شرکت‌های عمومی و خصوصی کشورهای میزبان است. این برنامه‌ها از چهار بعد تشکیل شده است که شامل آموزش زبان ماندارین چینی، اجرای برنامه‌های فرهنگی چینی، برنامه‌های دانشگاهی و برگزاری آزمون زبان چینی «HSK»^۱ است. آموزش زبان چینی معمولاً با ارسال منابعی از هانبان صورت می‌گیرد (Shuto, 2018: 136-137). یکی از پرطرف‌دارترین فعالیت‌های مؤسسه کنفوسیوس برای دانشجویان اردوهای سفر به چین است. این برنامه تحت عنوان «پل چینی»^۲ برگزار می‌شود. سایت هانبان در معرفی این برنامه توضیح می‌دهد «این برنامه با هدف ارتقا درک زبان و فرهنگ چینی برای دانش‌آموزان و دانشجویان از سراسر جهان و ارتقاء مبادلات دوستانه بین دانش‌آموزان و دانشجویان چینی و خارجی و گسترش حلقه‌های یادگیری زبان چینی ارائه می‌شود. این اردو تابستانه آموزش زبان چینی، فعالیت‌های تجربی فرهنگی و برنامه‌های متنوع فرهنگ چینی را ارائه می‌کند» (Chinese, 2021). از طرفی دیگر دانشگاه‌های چینی سه اولویت را برای برنامه‌های فرهنگی خود انتخاب کرده‌اند که شامل نمایشگاه فرهنگی، سخنرانی‌ها و نمایشگاه فرهنگی چینی که به اجرای آهنگ‌های کلاسیک بیجینگ و چینی، هنر رزمی و غذاها توجه می‌شود (Shuto, 2018: 138). به‌عنوان مثال، برگزاری نمایشگاه فرهنگی «غذا بهشت است، بهشت غذا است» در آمریکا در سال ۲۰۱۹ یکی از این موارد است. هانبان در ارتباط با این نمایشگاه می‌نویسد «این نمایشگاه فراتر از غذا است. در این نمایشگاه مردم چین غذای خودشان که برایشان خیلی مهم است به نمایش می‌گذارند. در این نمایشگاه چینی‌ها چگونگی تعامل خود را با طبیعت از طریق وعده‌های غذایی روزانه به نمایش می‌گذارند». نمایشگاه میراث فرهنگی معماری چین که در سال ۲۰۱۸ در آمریکا برگزار شد (Confucius uncc, 2018: 14) روایت داستان توسعه فرهنگی - معماری چین را به نمایش می‌گذارد. از دیگر برنامه‌هایی که به‌طور سالانه اجرا می‌شوند می‌توان به برنامه‌های سال نو چینی و جشنواره‌های کامل پاییزه اشاره کرد (Shuto, 2018: 138).

از لحاظ عملکرد شبکه‌ای مؤسسه کنفوسیوس، می‌توان به برگزاری اجلاس‌هایی با آس آن یا برگزاری کنفرانس ۲۰۱۶ پیرامون طرح یک کمربند یک جاده اشاره کرد. این

1. Hànyǔ Shuǐpíng Kāoshì
2. Chinese Bridge

فعالیت‌های شبکه‌ای با ساختار از بالا به پایین به‌عنوان کانالی به انتشار ایده‌های رسمی چین در نظر گرفته می‌شود (Shuto, 2018: 146). این موضوع نیز قابل توجه است که فعالیت‌های شبکه‌ای در نقاطی از جهان اجرا می‌شوند که نسبت به مابقی جهان دید کم‌تر منفی به چین وجود دارد. فراتر از این اقدامات، در مؤسسه کنفوسیوس در سطحی جهانی فعالیت‌های فرهنگی - آموزشی دیگری نیز صورت می‌گیرد که معرف فرهنگ سنتی چین باستان است. در یک نگاه جامع این فعالیت‌ها به صورت کاملاً متمرکز و منظم در مناطقی اجرا می‌شود که تصور تهدید از چین در آن مناطق بسیار بیشتر است (آمریکا و اروپا). این اقدامات با هدف معرفی فرهنگ سنتی چین (شامل ارزش‌ها، آرمان‌ها و اصول بنیادین فرهنگ چینی که از طریق برنامه فرهنگی ارائه می‌شود) به مردمان سایر کشورها آن‌ها را با فرهنگ کمتر شناخت شده چین آشنا می‌کنند که این مهم باعث تلطیف فضای برساخته شده تصور تهدید از چین و اصلاح برداشت‌های از نیات و عملکرد چین می‌شود. مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نمونه این موضوع، کشور آمریکا است. دولت چین با علم به بدبینی موجود در آمریکا نسبت به رشد و ظهور چین بیشترین تعداد مؤسسه و کلاس‌های کنفوسیوس را در این کشور راه‌اندازی کرده است. نکته مهم این موضوع محتوای آموزشی این مؤسسات است که در جدول شماره ۳ زیر مشخص شده است. بیشترین محتوای آموزشی این مؤسسات مربوط به زبان چینی و فرهنگ این کشور است.

جدول ۳. مباحث دوره‌های آموزشی ارائه‌شده در آمریکا

موضوع دوره‌های آموزشی	تعداد دوره‌ها
۱ زبان چینی	۴۸
۲ سنت‌ها، هنر و فرهنگ چینی	۱۶
۳ کنفوسیوسینسم	۲
۴ ادبیات چینی	۲
۵ فرهنگ مدرن چینی	۲
۶ آموزش زبان مختص کودکان	۱
۷ متفرقه	۱

(Peterson, 2017: 53)

فراوانی محتوای آموزشی مؤسسه کنفوسیوس در ایالات متحده نشانگر برنامه‌های دولت چین برای مقابله با تصور تهدید از چین در این کشور است.

۳-۲-۳. کنش از منظر عملیاتی: با توجه به این سبک عملکرد مؤسسه کنفوسیوس می‌توان به سه مورد خاص از این مؤسسات (در اروپا، آمریکا و آسیا) برای درک عملکرد جغرافیایی آن پرداخت. بر همین مبنا در گزارش سالانه دانشگاه آبردین (اسکاتلند)^۱ با اشاره به برگزاری تئاتر ووهان در سال ۲۰۱۷ به سخنرانی یک استاد چینی با موضوع مزایای «تای چی»^۲ برای سلامت روحی، روانی و جسمی در کنار سایر فعالیت‌های پرداخت شده است (abdn, 2017: 13). در ورزش تای چی ضمن کنار توجه به عضلات بدن تأکید بر پرورش ذهن از طریق تمرین‌های خاصی است. این ورزش هزارساله چینی امروزه در بین میلیون‌ها نفر از مردم جهان رواج دارد. همین عنصر توجه به مفاهیم فرهنگی و تاریخی چین را می‌توان در برنامه‌های معرفی رقص و هنرهای محلی اقوام چین در دانشگاه شارلوت^۳ ایالات متحده دید. در این برنامه اقوامی از جمله مغولی، دای، قزاق، ایغور و تبتی به اجرای رقص‌های محلی، هنرهای رزمی محلی همراه با همخوانی آهنگ‌های محلی پرداختند. (Confucius unce, 2018: 10)

یکی دیگر از مهم‌ترین مؤسسه‌های کنفوسیوس که در قالب رویکرد ژئوکالچر از جایگاه بالایی برخوردار است در استرالیا قرار دارد. از جمله اقدامات این مؤسسه برگزاری برنامه سمینارهای مختلف سنتی چینی است که همراه با آن هر هفته کلاس‌های زبان چینی با محوریت فرهنگ چینی برگزار می‌شود. این کلاس‌ها هر هفته شامل موضوع‌های مانند غذا، موسیقی و هنر چین است که برای دانشجویان بین‌المللی برگزار می‌شود. از دیگر برنامه‌های این مؤسسه که در سال ۲۰۱۷ برگزار شد اجرای شب فرهنگ چین بود که در آن شرکت‌کنندگان علاوه بر استفاده از غذاهای چینی در طول این برنامه با فرهنگ چین آشنا شده‌اند. از سوی دیگر، برگزاری مسابقه پل چینی که در بالا ذکر شد از دیگر فعالیت‌های این مؤسسه در استرالیا است (Confucius institute,)

1. University of Aberdeen (Scotland)

2. Tai Chi

3. Charlotte University

2017: 17-22). همان‌گونه که ذکر شده عنصر مشترک تمامی اقدامات مؤسسات بالا توجه ویژه به عنصر مفاهیم فرهنگی و تاریخی چین است.

برنامه‌های بالا در قالب‌های متفاوتی همچون موسیقی، نقاشی، هنر آشپزی، هنرهای رزمی، بازدیدهای تاریخی - علمی انتقال‌دهنده هسته ارزشی تمدن چینی به مخاطبان خود است. مجموعه این برنامه‌ها که در قالب‌های فرهنگی - تفریحی برای مخاطبان غیرچینی ارائه می‌شود بنیان و هسته اصلی تمدن چینی - ارزش‌های همچون نظم، هارمونی و هماهنگی، هم‌سازی، سلسله‌مراتب هماهنگ - را به مخاطب خود القا می‌کند؛ به این معنا که فرد عضو در مؤسسات در خلال آموزش‌های خود متوجه اهمیت این ارزش‌ها و جایگاه آن در منظومه فکری چینی شده و بر اساس همین شناخت متوجه اهداف و مقاصد غیر تهدیدآمیز چین می‌شود. در کنار این موضوع، هویت یکی دیگر از عواملی است که باعث می‌شود تصور تهدید از چین از طریق مؤسسه‌های کنفوسیوس کاهش یابد. همان‌طور که پیشتر اشاره شد برساخته شدن هویت یکی از عوامل اثرگذار تمدن و فرهنگ چین بر سیاست خارجی این کشور است. به همین منوال هویت یکی از مؤلفه‌هایی است که این مؤسسات با معرفی آن در قالب اقداماتی مثل تورهای گردشگری در چین یا آموزش‌های نظری آن را به مخاطب ارائه می‌کند. هویت چینی که با ارزش‌های مرتبط - هماهنگی، سلسله‌مراتب، نظم و آرامش درونی - در مقابل دیگری خود که به ضرورت با ویژگی‌های همچون ضد نظم، خشونت‌طلب همراه است شناخته می‌شود. انتقال این مفاهیم و معانی در قالب برنامه‌های ذکر شده بالا نمود دیگر نقش مؤسسه کنفوسیوس در بهبود تصور تهدید از چین است.

نتیجه‌گیری

توسعه همه‌جانبه به‌عنوان یک هدف امروزه به اولویت عمده دولت - ملت‌ها در نظام بین‌الملل تبدیل شده است. از الزامات این مهم، دور بودن کشورها از فضای پرتنش بین‌المللی است. بدون شک چین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دولت - ملت‌های نظام بین‌الملل از این قاعده جدا نیست. نیاز این کشور به فضای مساعد برای رشد از مهم‌ترین بسترهای تحقق توسعه همه‌جانبه در دوران بعد از اصلاحات بوده است. رشد

سریع اقتصادی چین و به تبع آن رشد نظامی، چین را به‌عنوان یک قدرت بزرگ بین‌المللی که توانایی تغییر در ساختار نظام بین‌الملل را دارد معرفی کرده است. از طرفی چالش‌های مرزی این کشور با همسایگان خود از جمله چالش دریای جنوبی چین و پروژه عظیم ابتکار یک جاده یک کمربند، از منابع مهم برساختن تصور تهدید از چین هستند؛ اما به‌طور کلی منابع تصور تهدید از چین در سه بخش ژئوپلیتیک - نظامی، اقتصادی و سیاسی - نظامی قابل طبقه‌بندی است که طرفداران ارزش‌های لیبرالی را به این نتیجه رسانده که چین به‌عنوان یک تهدید برای نظام بین‌الملل لیبرالی قابل شناسایی است.

این کشور با آگاهی از تداوم برساخته شدن تصور تهدید از چین از سمت دولت‌های غربی روی به مقابله با این مهم از طریق بکارگیری مؤسسه کنفوسیوس در قالب یک ابتکار ژئوکالچر آورده است. جمهوری خلق چین از طریق به‌کارگیری مؤسسات کنفوسیوس در کشورهای مختلف - به خصوص کشورهای که درصد بالایی از تصور تهدید از چین در آن‌ها رواج دارد - در پی معرفی فرهنگ و تمدن کم‌تر شناخته‌شده چین در قالب برنامه‌های فرهنگی - آموزشی به مخاطب است تا از این طریق ضمن گسترش فرهنگ کنفوسیوسی به معرفی ویژگی‌های همچون صلح‌طلبی، هماهنگی و هارمونی که از ویژگی‌های اصلی تمدنی این کشور است پردازد و تب‌بالای تصور تهدید از این کشور را در جوامع هدف کاهش دهد. این روند عمدتاً از طریق فرایندهای برنامه‌ای و کارکردی در حوزه‌های جغرافیایی متعدد در حال به انجام رسیدن است. نکته جالب توجه آن است بیشتر این برنامه‌ها و کارکردها در جوامعی در حال فعالیت هستند که تصور تهدید در آنها بسیار پررنگ بوده و مقابله با آن دارای ضرورتی انکارناپذیر است.

با وجود اینکه که این رهیافت و ابزار ژئوکالچر در سال‌های اخیر روند روبه رشد و موفقیت‌آمیزی را تجربه کرده است اما به نظر می‌رسد روند رو به رشد گسترش عناصر تصور تهدید نیز به همان اندازه تقویت شده و چالش‌های چین در اصلاح این تصور نیز متعدد و گسترده‌تر شده است. بخشی از این پیچیدگی محصول قدرت رسانه‌ای غرب در برساختن نوع نگرش به تمدن کمتر شناخته‌شده کنفوسیوسی است و بخشی دیگر نیز به چالش‌هایی بازمی‌گردد که سیاست خارجی چین را مشغول خود کرده و عدم



پیش‌بینی راه‌حل‌های هوشمندانه سبب دامن زدن بر این فضا شده است. نمونه این مورد را می‌توان در اقدام اخیر دولت چین در تصویب قانون پیگیری منتقدان دولت چین در هنگ‌کنگ مشاهده کرد که مسأله ابعاد بین‌المللی یافت و ضربات جدی به تلاش‌های فرهنگی چین در تهدیدزدایی از برداشت از این کشور وارد کرد. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که موفقیت ابزارهای فرهنگی زمانی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد که دولت چین بتواند هم‌زمان در عرصه میدانی و چالش‌های ژئوپلیتیک نیز رویکردهای مسالمت‌جویانه و در عین حال هوشمندانه‌تری را در پیش گیرد.

منابع

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۴)، بازدرآمدی بر روابط راهبردی چین و ایران در پرتوی هویت‌های بین‌المللی، تهران: نشر مخاطب.
- آلسون، گراهام تی (۱۳۹۹)، جنگ محتوم: آیا آمریکا و چین می‌توانند از تله توسیدید بگریزند؟، ترجمه رحمت حاجی مینه، محمد عابدی، تهران: ابرار معاصر تهران.
- جعفری، علی‌اکبر و جانباز، دیان (۱۳۹۴)، «قدرت نرم و جایگاه چین در نظام جهانی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۴، زمستان، صص ۱۵۱-۱۱۹.
- چن، جیان فنگ (۱۳۹۰)، «تمرین مین: پرورش قدرت نرم چین»، در مینگ جینگ لی، قدرت نرم چین (استراتژی چین در حال ظهوری در سیاست بین‌الملل) ترجمه: عسگر قهرمان پور بناب، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- دریر، جون توفل (۱۳۹۵)، سیاست و حکومت در چین، ترجمه فریبرز ارغوانی پیرسلامی و فاطمه فروتن، تهران: نشر مخاطب.
- دنگ، یانگ (۱۳۹۰)، «واقعیت‌های جدید سخت: قدرت نرم و چین در حال گذار»، در مینگ جینگ لی، قدرت نرم چین (استراتژی چین در حال ظهوری در سیاست بین‌الملل) ترجمه: عسگر قهرمان پور بناب، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- دهقانیان، محمدحسین (۱۳۹۶)، «سیاست خارجی چین در دوره شی جی پینگ»، در علمایی فر، جامعه، سیاست و اقتصاد در چین امروز، تهران: ابرار معاصر تهران.

زیمین، توماس (۱۳۹۹)، «جاده ابریشم جدید: چین، ایالات متحده و آینده آسیای مرکزی»، گزارش مرکز همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه نیویورک، ترجمه مرکز بررسی‌های استراتژیک، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

سازمند، بهاره و ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۰)، «چین و چالش تصور تهدید در جنوب شرق آسیا»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۳۰، ۱۸۴ صص ۱۸۴-۱۶۵.

سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۸)، «فرایند کاربست قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری خلق چین»، معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی دفتر مطالعات سیاسی.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۲)، نظریه‌های روابط بین‌الملل (بنیان‌های نظری نظم و رژیم‌ها بین‌المللی)، تهران: نشر میزان.

کای، پیتر (۱۳۹۹)، گزارش مؤسسه لوی برای سیاست بین‌الملل «شناخت طرح کمربند و جاده چین»، ترجمه: مرکز بررسی‌های استراتژیک، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

کرانی، زهرا (۱۳۹۸)، «تأثیر ژئوکالچر منطقه‌ای بر روابط میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیا جنوب غربی، سال دوم، شماره ۵، صص ۶۶-۴۴. کیسینجر، هنری (۱۳۹۸)، چین، ترجمه: حسین رأسی، تهران: نشر فرهنگ معاصر.

کیسینجر، هنری و دیگران (۱۳۹۸)، آیا قرن بیستم و یکم به چین تعلق دارد؟ (یک مناظره)، ترجمه: مسعود یوسف حصیر چین، تهران: نشر علم.

گزارش کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی وزارت امور خارجه و بازرگانی جمهوری خلق چین با مجوز شورای دولتی (۱۳۹۹)، «چشم‌انداز اقدامات مربوط به احداث کمربند اقتصادی جاده ابریشم»، ترجمه: مرکز بررسی‌های استراتژیک، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

گوهارت، ندین (۱۳۹۵)، نفی پایان تاریخ، یک تلقی بدیل چینی از نظم بین‌الملل؟، مؤسسه امور بین‌المللی و حوزه امنیت آلمان، ترجمه: امیر صالحی، جواد عرب یارمحمدی، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

لی، مینگ جیانگ (۱۳۹۰)، «قدرت نرم در گفتمان چینی، محبوبیت و چشم‌انداز»، در مینگ جینگ لی، قدرت نرم چین (استراتژی چین در حال ظهوری در سیاست بین‌الملل) ترجمه: عسگر قهرمان پور بناب، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق. مائو، جوئل (۱۳۹۹)، گزارش مؤسسه مطالعات استراتژیک ملی «دیدگاه‌های چین در خصوص طرح یک کمربند یک جاده (منطق استراتژیک؛ مخاطرات و پیامدها)»، ترجمه مرکز بررسی‌های استراتژیک، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

وردی‌نژاد، فریدون؛ علمایی‌فر، ابوالفضل و قاضی‌زاده، شهرام (۱۳۹۰)، *اژدهای شکیبا (چین دیروز، امروز، فردا)*، تهران: انتشارات اطلاعات.

abdn (2017), "**Confucius Institute of the University of Aberdeen Annul Report (2017)**", (2020), in: <https://www.abdn.ac.uk/confucius/documents/2017.pdf>.

Becard, Danielly Silva Romos and Filho, Paul Menenhelli (2019), "Chines Cultural Diplomacy: Instruments in Chinese Strategy for Internasional Insertion the 21st Century", *Revista Brasileira de Polttica Internacional*, Vol.62, No.1, pp. 1-20.

Bush, Christian (2018), "**Confucius Institutes and Sino-American Soft Power Diplomacy**" thesis of Bachelor, Kentucky: College of Arts and Sciences of the University of Louisville .

Caixinglobal (2018), " Chart of the Day: The Growth of China's Confucius Institutes", (observed: 2020/10/14) in: <https://www.caixinglobal.com/2018-11-30/chart-of-the-day-the-growth-of-chinas-confucius-institutes-101354066.html>. Cfr (2020), "Territorial Disputes in the South China Sea" (observed: 2020/10/16) in: <https://www.cfr.org/global-conflict-tracker/conflict/territorial-disputes-south-china-sea>

Cheng, Anne (2019), "the Problem with Tianxia", tianxiain Comparative Perspective", *Alternative Models of Geopolitical Order*, **Conference Berggruen Research CENTER IN Tsingtao**.

Clinton, Hillary (2020), "A National Security Reckoning "How Washington should Think About Power", *Foreign Affairs*, 99, Number 6.

Confucius Institutes (2018), **NATO Strategic Communications Centre of Excellence**, (observed: 2020/10/15) in: <https://www.ceeol.com/search/gray-literature-detail?id=804499>

Confucius uncc (2018), "**Confucius Institute at UNC Charlotte Annul Report (2018)**", (observed:2020/11/11).in:https://confucius.uncc.edu/sites/confucius.uncc.edu/files/media/2018_AnnualReport.pdf.

Confucius institute (2017), "**Confucius Institute at UNSW Sidney Annual Report (2017)**"

(observed:2020/11/6)in:<https://www.confuciusinstitute.unsw.edu.au/sites/default/files/documents/CI-2017-Annual-Report.pdf>.

Congressional Research Service (2019), "China's Economic Rise: History, Trends, Challenges, and Implications for the United States", Updated June 25, (observed:2020/12/11), in:

<https://crsreports.congress.gov/product/pdf/RL/RL33534>.

Dasilva, Diego lopes, Tian, Nan and Marksteiner, Alexandra (2021), "Trends in World Military Expenditure, 2020" sipri fact sheet, (observed:2021/2/3),in: https://sipri.org/sites/default/files/2021-04/fs_2104_milex_0.pdf.

Worldbank (2020) "GDP growth (annual %) – China" (observed:2020/11/12), in: <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?locations=CN>.

digmandarin (2021), "**Confucius Institutes Around the World – 2021**" (observed: 2021/ 2/ 1), in: <https://www.digmandarin.com/confucius-institutes-around-the-world.html>

Gil, Jeffrey (2009), "China Confucius Instate Project: Language and Soft Power World Politics: Languages and Soft Power in World Politics" **The Global Studies Journal**, Vol.2, No.1, pp 58-73.

Global firepower (2021), "**2021 China Military Strength**", (observed:2021/2/1), in: https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.php?country_id=china.

Chinese (2021) "**Chinese Bridge**" Summer Camps for Foreign Students", (observed: 2021 /1/28) in: <http://www.chinese.cn/page/#/pcpage/project?id=166>.

Hubbert, Jennifer (2019), **China in the Word (An Anthropology of Confucius Institutes,Soft Power, and Globalization)**, Honolulu : University of Hawai'i Press.

Huntington, Samuel (1996), **The Clash of Civilization's and the Remaking of World Order**, New York: Simon Schuster.

Jones, Lee and Homeiri, Shahr (2020), "Debunking the Myth of Debt-trap Diplomacy Hom recipient Countries Shap Chins Belt and Road Initiative", Chatham House, (observed: 2021 /1/6), in: <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/2020-08-19-debunking-myth-debt-trap-diplomacy-jones-hameiri.pdf>

Kluver, Randy (2017), "Chines Culture in a Geo-Culture Force", in Jacques Delisie and Avery Coldsteln, **China's Global Engagement**, Washington DC: Brooking Institution Press.

Nantian, Alexandra, Kulm ova (2020), Trends in World Military Expenditure (2019), SIPRI fact sheet, (observed:2020/12/9) in: https://www.sipri.org/sites/default/files/2020-04/fs_2020_04_milex_0_0.pdf.

Our world in data (2018), " Growth Rate of Real GDP per Employed Person, 2000 to 2018", (observed:2020/12/15), in: https://ourworldindata.org/grapher/growth-rate-of-real-gdp-per-employed-person?tab=chart&time=earliest..2018&country=CHN~OWID_WRL

Peterson, Rachele (2017), Outsourced to China, National Association of Scholars, (observed: 2020/10/19), in: <https://www.nas.org/reports/outsourced-to-china>.

Rahman, Saifur (2019), "China's Foreign Policy and its Choose for Cultural Soft Power: The Tools", Social Chang Review,, Vol.17.No.1, pp.1-26.

Shanxi (2017), "**Confucius Institute Headquarters (Hanban)**", (observed: 2020/11/23), in: http://shanxi.chinadaily.com.cn/2017-12/15/c_310777.htm

Shokoohi, Saeed and Hajiababi, Morteza (2019), "Failure of Geopolitical and Geo-Cultural Commonalities to Integrate Iran and Central Asian Countries", **Geopolitics Quarterly**, Vol.14, No.4, pp, 149-164.

Shuto, Motoko (2018), "Patterns and Views of China's Public Diplomacy in Asian Countries: Focusing on Contemporary", **East Asia Studios**, Vol.7, No.2, pp124-148.

Silver, Iaua, Deulin, Kat and Huang, Christine (2019), "Chins Economic Growth Mostly Welcomed in Emerging Markets, but Neighbors War of its Infieuce (U.S. Still Seen as Worlds Leading Economic Power)", Pwe Research Center.

Silver, Laura, Devlin, Kat and Huag, Christinec (2020), "China's Economic Growth Mostly Welcomed in Emerging Markets, but Neighbors Wary of its Influence", (observed:2021/1/6), in:

https://www.pewresearch.org/global/wpcontent/uploads/sites/2/2019/12/PG_2019.12.05_Balance-of-Power_FINAL.pdf.

Wang, Jiayi, Too, Yu (2018), "Confucius Institutes", (observed:2020/12/12), in" <https://www.oxfordbibliographies.com/page/287>.

Winter, Tim (2020), "Geo-cultural Power: Chinas Belt and Road Initiative", **Geopolitics**, Vol.24 No.20, pp.1-24.

Gao (2019), "**Agreements Establishing Confucius Institutes at U.S. Universities Are Similar, but Institute Operations Vary**" (observed:2020/12/12), in: <https://www.gao.gov/assets/gao-19-278.pdf>.

Yang, Edward Yi & Liu, Xinsheng (2012), "The 'China Threat' Through the Lens of US Print Media: 1992–2006", **Journal of Contemporary China** (observed: 2020/10/13), Vol.21.No.76, pp1–17.

Yellinek, Roie (2020), "**the Ongoing Us-China Propaganda Battle**", (observed: 2021/ 1 /3) in: <https://www.e-ir.info/2020/08/02/opinion-the-ongoing-us-china-propaganda-battle/>

Zhang, Feng (2015), "Confucian Foreign Policy Traditions in Chinese History", **The Chinese Journal of International Politics**, Vol.18, No.2, pp.197-218.

